

بالا بردن مهارت فردی جهت

تفسیر رفتار غیر کلامی

ثمره ی مقدس آفریقا

نویسنده

میثم ایران پناه

استفاده از مطلب با ذکر نام نویسنده یا منبع بلامانع است.

info@bodylanguage.ir

از ژرفای جنگل عمیق صدایی به گوش نمی رسد . شکارچی جوان بی حرکت و در حالیکه نفس را در سینه حبس کرده است یاد می گیرد که جانوران را با آوا هایشان باز شناسد : غرش پلنگ ، گامهای خاموش و بی صدای او ، آوا و هیاهوی میمون ها و خش خش علفها زیر سم زرافه ها . برای هر حیوانی باید روش و رفتار خاصی را پیش گرفت و تیری مناسب به کار برد . شکارچی باید رفتار جانوری را که از فرزندانش محافظت می کند از یک جانور مهاجم باز شناسد . هنگام احساس خطر و مواجهه با پلنگ و گامهای بی صدا و خاموش این حیوان جنگجو و تیز شامه باید تیرش به سر یا قلب پلنگ نشانه رود و گرنه فردا را نخواهد دید . او باید بداند با آهویی هراسان و بی خطر روبرو نخواهد شد .

کسی که پا به میدان تفسیر رفتار غیر کلامی می گذارد همانند شکارچی ما در جنگلهای آفریقا است . او چگونه باید بداند با چه هیجانی روبرو ست ؟ چگونه باید تیر را پرتاب کند ؟ چگونه قضاوت کرده و قبیله خود را رهبری کند ؟

از رفتار غیر کلامی می توان در تعاملات اجتماعی و علوم مختلف بهره برد . اما آیا برای استفاده از رفتار غیر کلامی فقط بر چسب زدن و نام گذاری ژست ها و رفتار ها کافی است یا باید پا را فراتر گذاشته و شروع به تغییر مهارت های فردی کرد؟

جهت دستیابی به این مهارت ابتدا باید فرد با مطالعه و آموزش صحیح نحوه ی تفسیر و شناخت رفتار را یاد بگیرد و در مرحله بعد شخص پا به عرصه کارزار این علم می گذارد . در این نوشته سعی ما بر این است که گوشه ای از مهارتهای لازم برای به کارگیری این علم را در غالب ثمره ی مقدس آفریقا باز گو نماییم .

نخستین رفتار با برگزیدن آرامترین فرزند شروع می شود . همان که کمتر از کوره بدر رفته ، همان که درباره اش می گویند او یک گور است . چیزی بر زبان نمی آورد اما سخنان را به خود جذب می کند . و با رفتارش نشان می دهد که مشتاق یادگیری است . همانگونه که پدر با رفتارش وی را انتخاب کرده . در محضر بزرگان قبیله می نشیند اما در حضورشان سکوت اختیار می کند ؛ و با این رفتار خاموش جایگاه خود را باز شناخته و بدین ترتیب نشان می دهد که می داند.

شخصی که دهانی قرص ندارد از چرخه آموزش خارج می شود در واقع هیچگاه او را در معرض یادگیری قرار نمی دهند زیرا هر آنچه را که به او گفته می شود بی درنگ باز گو می کند.

(یک مفسر خوب باید بتواند علائمی را که در رفتار یک فرد می بیند عیان نسازد چون در صورت بیان احساس یا هیجان مشاهده شده در فرد به قضاوت متهم شده و فرد مورد نظر حالت تدافعی به خود می گیرد .)

یاد گیری نیاز به چشمان تیز بین ، گوشهای شنوا و دهانی مهره شده دارد زیرا گفتار همیشه با دهانی بسته و گوشهایی باز انتقال می یابد . جوان در سکوت سخنان و رفتار استاد را می آموزد . استاد به آرامی و با صدای آهسته ، سخن می گوید این

روشی است که استاد اندیشه هایش را بیان می کند . او با استفاده از سکوت و درنگهای طولانی جان کلام خویش را که از پیشینیان به او رسیده است به جوان منتقل می کند با این رفتار سخنش در جوان رسوخ کرده و بخشی از او می شود .

می داند هرگز سخن استاد را با گفته ای نباید قطع کرد . برای سالیان دراز ، کاری جز گوش فرا دادن ندارد . و در نتیجه این گوش فرا دادن صبورانه ، ذهن و روحش ارتقاء می یابد . و کم کم به حقیقت مجسم در استاد نزدیک می شود .

(این نوع نحوه گوش دادن ما را به حقیقت مجسم در داخل ذهن شخص رهنمون می سازد . کاری که یکی از اهداف تفسیر رفتار غیر کلامی است .)

زمان پرسش های جوان فرا می رسد حال او در می یابد کمی فهمیده است ، و بی آنکه شتاب کند آغاز به پرسش می کند . تا زمانیکه جوان گفتار و رفتار استاد را از آن خود نساخته است ، نخواهد توانست دانشش را بجا و مناسب به کار گیرد . و این تنها زمانی فرا خواهد رسید که او نیز به نوبه خود مسئولیت یک خانواده ، گروهی از شکارچیان یا کل دهکده را عهده دار شود .

(آغاز پرسش در رفتار غیر کلامی زمانی اتفاق می افتد که ما به ریشه یک حالت که در فرد بروز می کند پی می بریم . آنگاه به دور از شتاب و با تعمق بر نحوه پرسش آن را مطرح می کنیم . با گذشت زمان مفسر می تواند در بافت های زمینه مختلف از این توانایی بهره بگیرد .)

وقت آن می رسد که مرد جوان درایت خود را به نمایش بگذارد آنگاه باید درگیریها و خصومتها را حل و فصل کند بی آنکه حق کسی را زیر پا گذارد . وی همان شکارچی است که در کمین نشسته ، او از معرکه فاصله می گیرد ، میانجی راه ارتباطی او می گردد و مرافعه را هدایت می کند . گفتار مرد جوان باید مربوط به همه باشد و همه را خطاب قرار دهد . میانجی باید بخشهایی از این گفتار را برگزیده و بعد از پالایش به همگان اعلام کند . این گفتار سرشار از ناگفته هاست ، ناگفته هایی بی نهایت مهم که تنها پیران قادر به رمز گشایی آن هستند .

(یک مفسر خوب باید این توانایی را در خود ارتقا دهد . یعنی در زمان تفسیر و نتیجه گیری باید داخل بافت زمینه نبوده و فاصله خود را با آن حفظ کند در صورت ورود به بافت زمینه خود جزوی از آن شده و فرصت مشاهده دقیق را از خود می گیرد . یک مفسر خوب باید توانایی این را داشته باشد که به وسیله رفتار غیر کلامی خود سخن بگوید .)

مرد جوان باید قبیله را صبورانه و بی آنکه دخالتی داشته باشد هدایت کرده و گوش فرا دهد . او با خو گرفتن به کناره گیری و مشاهده دقیق دیگران ، نقب زدن به اعماق روح آدمی را فرا گرفته است . پشت نقابها و گفته های متناقض را می بیند و می خواند و تنها آن هنگام مداخله می کند که با چند کلمه ، مسائل را حل و فصل کند . انتظار چنین است که با شجاعت و

به درستی تصمیم گیرد . به علاوه باید به درستی نشانه گرفته و تیر را رها کند یعنی اخلاکگر را بازشناسد بی آنکه او را طرد کند چون کسی که خطا کار است را نباید از خانه بیرون راند .

(یک مفسر باید شجاعت را در خود تقویت کرده و تصمیم های روشن و درستی اتخاذ کند . باید پشت نقابها را بدون قضاوت احساسی ببیند ، باید خطا کار را بازشناسد مخصوصاً زمانی که نقش یک دستگاه دروغ سنج را بازی می کند . مفسر باید شکار خود را به درستی تشخیص بدهد ، کلمات و رفتار تیر اوست باید کلمه درست را در کمان دهان گذاشته و با هدف گیری صحیح آن را رها سازد .)

در هنگام مراجعه افرادی که که می خواهند راز یکی از یاران را برایش فاش کنند ، صرفاً می گوید : متشکرم ، شنیدم

از وی روی می گرداند و دیگر او را نمی پذیرد . چگونه می توان به کسی که رازی را فاش می کند اعتماد کرد ؟

(تفسیر کننده باید از تجربیات شناختی بالایی برخوردار بوده تا وقت خود را صرف حالت‌های پایه نکند و بتواند به نکات ریزتری توجه کند.)

اقتدار رئیس بیش از هر چیز بر توانایی در حفظ آرامش و تسلط بر خود استوار است . این توانایی را از همان عنفوان جوانی رشد داده و به یمن آن ، فاصله ای را با خود حفظ می کند و بر خشم و تند خویی مهار می زند .

(مفسر باید بتواند به خوبی هیجانات خود را مدیریت نماید در واقع باید از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشد .)

رئیس مسئول جنگ و صلح است . باید کلماتی را برگزیند که آرامش می بخشند و نه کلماتی که تهییج می کنند . چون باید پس از مرگ خود ، جامعه پویا و متحد و سعادتمند برای فرزندان باقی گذارد او باید پاسخگوی نیا کانش باشد .

(یک مفسر حرفه ای در انتهای کار ، فرد را به بخش‌های ناشناخته اش هدایت می کند و آرامش را به او باز می گرداند.)